



انقلاب اکتبر و جنبش رهایی زن - ۶

خانواده و آزادی جنسی - بخش اول

صفحه ۲

آذر ماجدی



زنان و دولت روحانی

کشمکش آزادی و ارتجاع ادامه دارد!

صفحه ۵

سیاوش دانشپور

اطلاعیه اول در باره برگزاری کنفرانس بین المللی

بمناسبت روز جهانی زن

آزادی و برابری زنان، مذهب و سکولاریسم

پوزش!

در دو هفته گذشته نشریه آزادی زن بدلیل سفر و مشکلات تکنیکی منتشر نشد. بدین وسیله از خوانندگان و علاقه مندان نشریه پوزش می‌خواهیم.

نشریه آزادی زن



از اعتراضات و کشمکش زنان آزادیخواه و سکولار در تونس علیه اسلامیه‌ها که نهایتاً به برکناری "النهضه" منجر شد!

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



انقلاب اکتبر و جنبش رهایی زن - ۶

خانواده و آزادی جنسی - بخش اول

آذر ماجدی

گفتمان تئوریک

مقوله خانواده و رابطه جنسی آزاد بحث برانگیز ترین مقولات در عرصه تساوی جنسی محسوب می شدند. مارکس و انگلس درباره خانواده در آثار مختلفی بحث کرده اند. گذشته، حال و آینده آنرا مورد تحلیل قرار داده اند. اما در مورد آینده خانواده، یعنی خانواده تحت سوسیالیسم و کمونیسم مباحث نمی تواند کاملا روشن باشد. در چهارچوب تئوری مارکسیستی می توان یک تحلیل شماتیک بدست آورد و فرضیاتی را بر این مبنا استنتاج کرد، اما تحولات کنکرت در این عرصه را باید به شرایط واقعی و عینی سپرد. یک چیز، اما، روشن است: بدنبال تغییر ساختار اقتصاد سیاسی جامعه، خانواده دستخوش تحولات جدی و عمیق خواهد شد. در نتیجه یک بحث داغ در مورد آینده خانواده، مناسبات میان زن و مرد و رابطه اولیاء و فرزندان، بویژه در سالهای اولیه انقلاب درگرفت.

در میان تئوریسین های بلشویک، برخی بر این نظر بودند که مانند دولت، خانواده نیز تحت کمونیسم از میان خواهد رفت. بطور مثال بوخارین، کرپلنکو، لوناچارسکی، تروتسکی و کولونتای در مقطعی بر این نظر تاکید داشتند. کولونتای نوشته است: "خانواده ضرورت خود را از دست می دهد. وجودش برای دولت ضروری نیست، زیرا اقتصاد خانگی دیگر برای دولت مفید نیست؛ اقتصاد خانگی کارگران زن را از کارهای مفید مولد دور می کند. خانواده ضرورتش را برای اعضای خانواده از دست می دهد، زیرا وظیفه دیگر خانواده، نگهداری و پرورش کودکان را جامعه تدریجا بعهده می گیرد. [بعلاوه] مادر- کارگر دارای آگاهی اجتماعی به نقطه ای می رسد که دیگر میان فرزند خود و فرزند دیگری تفاوت قایل نخواهد شد و می پذیرد که از این پس همه فرزندان ما، فرزندان روسیه کارگری کمونیست خواهند

بود." (نقل شده در ای اچ کار، سوسیالیسم در یک کشور، جلد ۱، ص 31)

کنت گیگر بر این نظر است که اکثر اعضای حزب نظر اسلیکوف، یک عضو با نفوذ تشکیلات حزب در لنینگراد را که در جزوه ای با عنوان "خانواده و ساختمان سوسیالیسم" عنوان شده است را قبول داشتند:

"ایدئولوگ های بورژوا فکر می کنند که خانواده یک پدیده ابدی است و نه یک نهاد گذرا. آنها بر این تصور اند که مبنای خانواده رابطه جنسی است و این رابطه تا زمانی که دو جنس در قید حیات اند وجود خواهد داشت و از آنجا که زن و مرد تحت سرمایه داری و سوسیالیسم به یک شکل زندگی می کنند، پس موجودیت خانواده اجتناب ناپذیر است. این یک تصور کاملا اشتباه است. البته رابطه جنسی همواره وجود داشته و وجود خواهد داشت. اما این مساله هیچ ربطی به اجتناب ناپذیری خانواده ندارد. بهترین مورخین فرهنگ مودکانه تثبیت کرده اند که در دوره اولیه خانواده وجود نداشته است. ...

همانگونه که همراه ناپدید شدن طبقات و انحلال تضاد طبقاتی، دولت ناپدید می شود، بهمانگونه همراه با تحکیم اقتصاد سوسیالیستی و رشد مناسبات سوسیالیستی، خانواده زوال می یابد.... [تا آن زمان] ما نباید خود را در خانواده محبوس کنیم، بلکه باید از پوسته خانواده بیرون بیاییم و وارد جامعه سوسیالیستی شویم. خانواده شورایی معاصر تخت پرشی است که باید از آن به آینده بپریم. همواره بکوشیم که کلیت خانواده را به نهاد

های عمومی منتقل کنیم." (نقل شده در کنت گیگر، خانواده در روسیه شوروی، ص 44-45).

قوانین خانواده شوروی و اهداف آن
اولین قوانین خانواده شوروی بروشنی نظر انتقادی بلشویک ها نسبت به نهاد خانواده را بیان می کند. تا آنجا که به موقعیت زن و کودک مربوط می شد، خانواده کانون استنمار، سرکوب و تحقیر محسوب می شد. از نظر بلشویسم، تمام انرژی، وقت و احساس تعهد زن وقف خانواده می شد. بعلاوه، خانواده یک نهاد محافظه کار بود که ارزشهای سنتی و عقب مانده را در خود حمل می کرد. از نظر بوخارین خانواده "محافظه کار ترین سنگر نکبت نظم کهن بود." کومسومول (اتحاد کمونیست جوان) در برنامه مصوب 1920 خود "محافظه کاری اولیاء" را در کنار "نفوذ کشیشان و کولاکها" بعنوان فاکتورهای مانع توسعه پیشروی جوانان از منشاء دهقان قرار داد. (نقل شده در ای اچ کار صفحه 30).

محافظه کاری خانواده بخصوص در رابطه با موقعیت زنان پدیدار می شد. لذا برای ایجاد تغییرات پایه ای در موقعیت زنان ضروری بود که خانواده موجود متحول شود. قوانین اولیه شوروی با این هدف تصویب شد. تضعیف پیوندهای مذهبی، اقتصادی و حقوقی خانواده هدف اصلی قوانین بود. قوانین خانواده تغییر نقش خانواده و جایگاه زن در آنرا مد نظر داشت. لغو حق ارث گذاری و اضمحلال نقش اقتصادی مولد خانواده موجب تضعیف پایه اقتصادی خانواده می شد. بعلاوه اجتماعی کردن خدمات خانگی و نگهداری و پرورش کودکان نقش اصلی خانواده را متزلزل می کرد. این تحولات بنوبه خود زنان را آزاد می کرد تا در

صفحه ۳

اسلام ضد زن است!

انقلاب اکتبر و جنبش رهایی زن - ۶

خانواده و آزادی جنسی - بخش اول ...

زندگی وسیعتر اجتماعی و اقتصادی نقش بازی کنند و نقش ایدئولوژیک خانواده در حفظ ارزشهای سنتی که مانع تولد زن نوین بود را متزلزل می ساخت.

تغییر مناسبات قدرت درون خانواده یک هدف دیگر بود. قانون از طریق تعیین حقوق و وظایف برابر برای مادر و پدر، با اعطای مسئولیت های اقتصادی جدید به زنان و تصویب اقدامات بمنظور تسهیل تحقق حقوق جدید کوشید ازدواج بدلیل اقتصادی را مضمحل کند. موقعیت برتر مرد بعنوان "سرپرست خانواده" به مصاف طلبیده شد. تثبیت ازدواج مدنی و برسمیت شناسی قانونی صرفا ازدواج های مدنی، آسان کردن قانون طلاق و اعطای حق طلاق به زوجین یک ضربه مهم به مذهب بود. همچنین کمپین هایی علیه کتک زدن زن و تنبیه بدنی کودکان سازمان داده شد. ضمنا آزمایش هایی برای یافتن منتهای پیشرو آموزشی در دستور گذاشته شد.

خصلت انقلابی و رهایی بخش قوانین خانواده شوروی غیرقابل بحث است، بویژه با در نظر گرفتن دوره ای که این قوانین تصویب شد. این یک واقعیت است که این قوانین همانگونه که ای اچ کار، مورخ سرشناس شوروی عنوان کرده است، قوانین سوسیالیستی نبودند: "باجراء در آمدن قوانین دوره اول حکومت شورایی در مورد ازدواج و خانواده، مانند قوانین اولیه اقتصادی مشخصا ماهیت سوسیالیستی نداشتند و طبق نظرات بورژوا رادیکال در بسیاری کشورهای غربی هم قابل تائید بودند." از نظر تنوریک این بحث درست است. اما در عمل هیچ کشور غربی نزدیک به یک قرن پس از انقلاب اکتبر، تمام این قوانین را در کلیت تصویب نرسانده است. زیرا نهاد خانواده در شکل کنونی رابطة تنگاتنگی با نهاد مالکیت خصوصی چه از نظر اقتصادی و چه ایدئولوژیک دارد. دولت کارگری موفق به تصویب چنین قوانینی شد، زیرا به

اضمحلال و نابودی کلیت نظام بورژوایی کمر بسته بود.

تصویر زن نوین انقلابی

ادبیات هر دوره ای یکی از بهترین منابع برای درک روندهای جدید، شکل گیری اخلاقیات و ارزشهای نوین است. یک وجه فرهنگ نوین در حال تولد و شکل گیری تلاش برای تعیین خصوصیات زن انقلابی نوین بود. تعریف زنانگی در فرهنگ انقلابی تغییر کرد. "نویسندگان دوره اولیه شوروی برای به تصویر کشیدن زن قهرمان نوین با رد تصویر رومانیک و ویکتورین ظرافت و شکنندگی زنانه و زن خانواده طبقه متوسط (که بهر صورت از فرهنگ زن دهقان روسی کاملا بیگانه بود) به سنن پرولتری رجوع کردند. این قهرمان یک زن قوی و مستقل و متعهد بود که علانق شخصی اش را تابع شرکت فعال در زندگی اقتصادی و اجتماعی می کرد." (گیل وارشاوسکی لاپیدوس، "تساوی جنسی در سیاستهای شوروی" در زنان در شوروی، ص 84) یک اثر معروف این دوره رمان "سیمان" نوشته فیودور گلدکوف است که این زن جدید انقلابی را در قالب شخصیت زن داستان بتصویر می کشد. داشا چومالوا، زمانیکه شوهرش در ارتش سرخ در جنگ داخلی می جنگید با ژنوتدل در ارتباط قرار می گیرد، ازدواج و بالاخره زندگی بچه اش را قربانی تلاش برای دستیابی به اهداف انقلابی می کند. داشا به سمبل زن نوین کمونیست بدل می شود.

تساوی جنسی برای بسیاری از کمونیست های این دوره بمعنای نقش یکسان زن و مرد بود، بجز بارداری که بناگزیر وظیفه زن باقی می ماند، سایر فونکسیونهای اجتماعی و خانوادگی می بایست یکسان باشد. برای تثبیت این نقش یکسان، اجتماعی کردن وظایف خانگی

و نگهداری و پرورش کودکان یک امر واجب محسوب می شد. نزد کمونیستهای این دوره این مساله از چنان اهمیتی برخوردار بود که کولونتای "جدایی آشپزخانه از ازدواج" را تبلیغ می کرد. از نظر او این مساله از اهمیتی یکسان با جدایی کلیسا از دولت برخوردار بود. "در تاریخ زنان، جدایی آشپزخانه و ازدواج یک رفرم عظیم است که بهیچوجه از جدایی کلیسا از دولت کم اهمیت تر نیست." (آلکساندرا کولونتای، "La dictature du proletariat: le changement revolutionnaire,

زندگی کلکتیو: یک آلترناتیو کمونیستی یا پاسخی پراگماتیک

مقوله زندگی کلکتیو، مقوله ای بحث برانگیز در جنبش کمونیستی وقت بود. امر اجتماعی کردن وظایف خانگی و جایگاه آن در آزادی زنان و برابری زن و مرد اولین بار توسط انگلس طرح شد. پس از انقلاب اکتبر بحث حول این مساله و تلاش برای پیاده کردن آن به یک مساله مهم دولت شورایی و یک اولویت ژنوتدل بدل شد. در دوره جنگ داخلی، زندگی کلکتیو بطور مثال مسکن اشتراکی، غذا خوری های عمومی و غیره در شهرهای بزرگ بسیار وسیع و محبوب شد. بطور نمونه در سلهای 1919-20، 90% مردم سنت پترزبورگ و 60% مردم مسکو بطور روتین از غذا خوری های عمومی استفاده می کردند. در 1920، 12 میلیون نفر در کانتین های عمومی غذا می خوردند. در همین سال 40% مسکن در مسکو اشتراکی بود که از "میزان کافی" برق و آب لوله کشی برخوردار بود. لباسشویی یا توسط رختشویان مزد بگیر انجام می شد و یا یک رختشویی مرکزی در محل وجود داشت. در اکثر این خانه های اشتراکی یک آشپزخانه اشتراکی و مهد کودک یا زمین بازی وجود داشت. طبق نظر کولونتای، بویژه در شهرهای بزرگ مردم زندگی به روش اشتراکی را ترجیح می دادند. اما پس از دوره ای که به کمونسم جنگی معروف شده، زندگی اشتراکی رو به افول گذاشت.

نمی توان براحتی قضاوت کرد که آیا در چند سال اولیه سیستم

مقیاس وسیع تسهیلات زندگی اشتراکی دفاع می کردند. این توسعه نه تنها آزادی زن را به ارمغان می آورد، بلکه همچنین یک روش عالیتر نگهداری و پرورش کودکان جامعه کمونیستی است. در واقع نزد تمام رهبران و تنوریسین های بلشویک، زندگی اشتراکی و تاسیس تسهیلات زندگی اشتراکی بخش غیرقابل انفکاک کمونیسم محسوب می شد.

بنابراین، در دوره کمونیسم جنگی، زمانیکه "شرایط اضطراری جنگ" کاربست فوری چنین اقداماتی را ضروری ساخت، آمادگی ایدئولوژیک همراه با پذیرش جامعه که این روش استاندارد عالیتری است، توسعه سریع تسهیلات اشتراکی را امکانپذیر کرد. مساله اینجاست که در این دوره دو عامل در گسترش محبوبیت زندگی اشتراکی موثر بود: خواست آگاهانه برای ایجاد این خدمات بعنوان یک روش بهتر و عالیتر زندگی بعلاوه مشکلات و مشقات زندگی تحت جنگ داخلی.

اما پس از سپری شدن دوره کمونیسم جنگی و با آغاز دوره ای که به نپ معروف است، این خدمات کاهش یافتند. اعلام شده که کیفیت ضعیف آنها در افول آنها موثر بوده است. قطعا یک عامل دیگر هم در این افول نقش داشته است، مشکلات اقتصادی ای که دولت با آن دست و پنجه نرم می کرد باعث شده بود که برنامه رفاه اجتماعی محدود شود. ولی دولت دیگر هیچگاه با هیجان و حرارت اولیه از این روش و خدمات دفاع نکرد. در واقع در دهه بعدی ارزشهای سنتی خانواده تقدیس شدند. از زمان اعلام اولین برنامه پنج ساله، تنها جنبه تسهیلات اشتراکی که وسیعا گسترش یافت، شبکه تاسیسات نگهداری کودکان بود.

ادامه دارد...

بخشهای قبلی این سری مطالب در باره "انقلاب اکتبر و رهائی زن" در شماره های قبلی نشریه آزادی زن منتشر شده است و بزودی بعنوان یک جزوه منتشر میشود. هیئت تحریریه

انقلاب اکتبر و جنبش رهایی زن - ۶

خانواده و آزادی جنسی - بخش اول ...

را به آشپزخانه و گهواره زنجیر می کند و انرژی کاریشان را در یک کار گِل غیر مولد، خرد، اعصاب داغان کن و کسالت آور بهدر می رود. رهایی واقعی زنان، کمونیسم واقعی فقط در مکان و زمانی آغاز می شود که یک مبارزه همه جانبه (توسط پروولتاریایی که قدرت دولتی را اعمال می کند) علیه این خانه داری خرد سازمان یابد و انتقال آن به اقتصاد سوسیالیستی در مقیاس بزرگ انجام گیرد.

آیا ما در عمل بانداره کافی به این مساله توجه می کنیم، مساله ای که هر کمونیستی در تنوری آنرا ضروری می داند؟ البته که نه. آیا ما از این جوانه های کمونیسم که فی الحال در فضا موجودند، باندازه کافی حفاظت می کنیم؟ باز هم پاسخ منفی است. موسسات غذاخوری عمومی، مهد کودک و کودکان، در اینها نمونه هایی از این جوانه ها را می بینیم؛ در اینها ما ابزار ساده و روزمره ای که قادر به رهایی واقعی زنان هستند، عدم تساوی آنها با مردان را در زندگی عمومی و تولید اجتماعی واقعا کاهش می دهد یا از میان می برد. ... اما ما از این جوانه های جدید، آنطور که باید محافظت نمی کنیم. (لنین، مجموعه آثار، جلد 29، صص 429-30)

کولونتای مدافع پرو پا قرص زندگی اشتراکی بود. از نظر او این روش زندگی برای آزادی زنان اجتناب ناپذیر بود. در نظر کولونتای بدون زندگی اشتراکی، بدون اجتماعی کردن کار خانگی و نگهداری و پرورش کودکان، هیچ صحبتی از تساوی زنان نمی توانست در میان باشد. زندگی اشتراکی نه تنها یک روش منطقی تر زندگی محسوب می شد، بلکه همچنین یک روش عالیتر زندگی بود. در واقع کلیت ژنوتدل قاطعانه از توسعه سریع و در

شورایی، روش اشتراکی زندگی از شرایط اضطراری زمان، جنگ داخلی، کمبود، قحطی و غیره سرچشمه گرفته بود یا از جستجوی انقلابی برای یک روش نوین زندگی، یا هر دو عامل ناشی می شد. در این زمینه دو نظر موجود است: یکی توسعه زندگی اشتراکی توسط دولت را راهی برای مقابله با کمبودها و مشقات دوره جنگ داخلی می داند؛ بطور نمونه، پروبرازنسکی نوشته است که دلیل محبوبیت تسهیلات اشتراکی کمبود مواد غذایی و انرژی بود. ای اچ کار در این زمینه برخوردی بدبینانه تر ابراز می کند: "در این وجه کمونیسم جنگی، همچون سایر وجوه، اعتقادات به یاری طلبیده شده بود تا ثابت شود که آنچه در شرایط اضطراری جنگ انجام می گرفت عین اصول والای برنامه سوسیالیستی است."

همانگونه که در بالا اشاره شد، ایده اجتماعی کردن کار خانگی و نگهداری و پرورش کودکان در کلاسیک های مارکسیستی طرح شده و بعنوان یک روش عالیتر زندگی و برای آزادی و برابری زنان ضروری اعلام شده بود. لنین بارها در سخنرانی یا نوشته هایش از اجتماعی کردن وظایف خانگی بعنوان یک اقدام ضروری دفاع کرده بود. رهبری ژنوتدل همگی از مدافعین سرسخت این روش بودند. در نتیجه اعلام اینکه "اعتقادات به یاری طلبیده شده بود تا ثابت شود آنچه در شرایط اضطراری جنگ انجام می گرفت، عین اصول والای برنامه سوسیالیستی است." نه فقط بدبینانه، بلکه مغرضانه است. شکی نیست که نیاز مقطع در شتاب بخشیدن به این پروژه موثر بوده است. اما پروژه اجتماعی کردن بسیار پیش از انقلاب اکتبر ترویج می شد. نقل قولی از لنین برای روشن شدن بحث مفید است:

"علیرغم کلیه قوانین رهایی بخش، زنان هنوز پرده خانگی اند. زیرا کارهای خرد زنان را تحقیر، تحمیق و خورد می کند. آنها

نشریه آزادی زن را توزیع کنید!



سیاوش دانشپور

زنان و دولت روحانی کشمکش آزادی و ارتجاع ادامه دارد!

برادران دینی همین نیروهای سپاه اسلامی موفق شدند در لیبی قوانین شریعه را حاکم کنند، سوریه را به قتلگاه و میدان کشتار تبدیل کنند، در افغانستان قدم بقدم به صحنه سیاست برگردند، و شهرهای عراق را در همین روزها صحنه قتل عام و ترور و کشتار جمعی کنند.



در کشورهای خارومیانه و شمال آفریقا هنوز وضعیت سیاسی بعد از خیزشهای توده ای و سرنوشتی تعدادی از دیکتاتورهای سابق تعیین تکلیف نهایی نشده است. یک سنگر مهم و تعیین کننده کشمکش سیاسی در این کشورها، تقابل جنبش آزادی زن با جنبش اسلام سیاسی و قوانین ضد زن اسلامی است. جنبش آزادی زن در این کشورها در تقابل با اسلامیزه کردن این جوامع از نظام سکولار و رفع تبعیض دفاع میکند.

در ایران کشمکش زنان با اسلام سیاسی و قوانین اسلامی نبردی قدیمی است. نبردی که در شرایط امروز خود را به مرحله مشخصی رسانده است. کشمکش زنان با جمهوری اسلامی عموماً بعنوان یک رژیم ضد زن و در تقابل با قانون حجاب خمینی آغاز شد. مشخصه حکومت اسلامی، مستقل از اینکه چه دولتی سر کار بوده، تقابل با زنان و تحمیل "حجاب و عفاف" بوده است. امری که لازمه پیاده کردنش حضور مستمر ارتش ضد زن و سرکوب خشن زنان در جامعه بوده است.

صفحه ۶

غربی و هیئت حاکمه این کشورها در میدان دادن به نیروهای جنبش اسلام سیاسی بودند. حاصل خیزش انقلابی در تونس و مصر با معماری ارتجاع بین المللی و منطقه ای، منجر به بقدرت رسیدن "اسلامیون معتدل" شد. بجای رسیدیم که مدل "اسلام معتدل" و طرفدار غرب در ترکیه و مشخصاً حزب توسعه و رفاه اردوغان به "نسخه طلایی" سازش اسلام سیاسی و تروریسم دولتی تبدیل شد و مفسران رسانه ها هر روز از "دوران جدیدی در سیاست کشورهای خاورمیانه" سخن میگفتند. بقدرت رسیدن اخوان المسلمین در مصر و النهضه در تونس و این فضای بین المللی، و همینطور انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در این تحولات و وحشت تکرار مصر و تونس و ترکیه در ایران، به نسخه اسلامی "اعتدال و امید" در ایران نیز فرجه ابراز وجود داد. طنز تلخ اینست درست در زمانی که کشتی "اسلام معتدل" در ترکیه و مصر و تونس به گل نشست و نهایتاً شکست خورد، باندهای اسلامی موسوم به "اعتدال و امید" در ایران قدرت دولتی را بدست گرفتند.

شکست سیاسی "اسلام معتدل" بیانگر این واقعیت بود که دوران اسلام و حاکم نمودن قوانین شریعه در جوامع قرن بیست و یکمی خاورمیانه و شمال آفریقا تمام شده است. جنبش ها و نیروهای پیشرو و مشخصاً جنبش آزادی زن و اردوی آزادی و برابری این وضعیت را تحمل نخواهد کرد و به مقاومت و ادامه مبارزه انقلابی و آزادخواهانه دست خواهند زد. همین نیرو اخوان و النهضه را در مصر و تونس پائین کشید. همین نیرو دارد میخ آخر را بر تابوت اردوغان در ترکیه میکوبد. در عین حال

جنبش آزادی زن در ایران و جهان به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن میرود. ۸ مارس یک دستاورد با ارزش و عزیز بین المللی سوسیالیستهاست که در تاریخ جوامع بشری بعنوان یکی از نقاط روشن تلاش برای برابری زن و مرد میدرخشد. به استقبال ۸ مارس روز جهانی برویم. این روزی است که از دریچه آن مجدداً به منظره موقعیت زن در دنیای امروز نگاه میکنیم، به جنبش برای آزادی زن و نقاط قوت و ضعف آن متمرکز میشویم، روی جبهه های اصلی نبرد سیاسی و طبقاتی برای رهایی زن و جامعه از تبعیض و نابرابری دقیق میشویم، و برای میدان کشیدن این جنبش برای پیشروی و پیروزی تلاش میکنیم.

در باره موقعیت جنبش آزادی زن در جهان و نیازها و چهارچوبهای سیاسی پیشروی آن، باید جداگانه صحبت کرد. اینجا تاکید این نکته کافی است که همراه با پیامدهای بحران جهانی اقتصاد سرمایه داری، موقعیت زنان عموماً و زنان کم درآمد و متعلق به طبقه کارگر و زحمتکش خصوصاً، در قیاس با دوره پیشین دچار عقبگرد و بیحقوقی بیشتر شده است. اگرچه مقیاس تحمیل این عقبگرد و بیحقوقی در هر کشوری ضرورتاً از یک جنس و یا یکسان نبوده است، اما بعنوان یک گرایش نزولی در امنیت اقتصادی، حقوق فردی و اجتماعی، در بازار کار و خانواده، و در موارد زیادی در تشدید فقر و سرکوب و تحمیل عقبگردهای تاریخی عمل کرده است. در خیزشهای توده ای در دنیای سرمایه داری که چهارگوشه جهان را درنوردید، نقش فعال زنان چه بعنوان شهروند و چه بعنوان بخشی از طبقه کارگر و مردم محروم غیر قابل اغماض است.

در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا اما زنان اولین قربانیان بند و بست دولتهای

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

با دختر خوانده در مجلس ارتجاع اسلامی تصویب شود. مانع نشده که ابلاغیه و منشور برای رعایت حجاب به ادارات و مراکز دولتی و خصوصی ابلاغ نشود و یا حجم تبلیغات ضد زن و عمدتاً توهین آمیز به شخصیت و حرمت و حقوق بدیهی و پایه ای زنان از تریبونهای اسلامی گسترش نیابد. وجود چند مونث مرتجع ضد زن در کنار برادران مذکر مرتجع دیگر با وظیفه تداوم قوانین آپارتاید ضد زن، شاید دل همین خانمها را بجا آورد اما با هدف و توقع زنان در جامعه فاصله نوری دارد.

همه اینها دارد میگوید جنبش آزادی زن در ایران دارد سنگرهای جدیدی را فتح میکند. جنبش آزادی زن و مبارزات زنان در ایران همواره الهام بخش اعتراضات برابری طلبانه در کشورهای منطقه بوده است. تلاش و مبارزه زنان در ایران یک سنگر مهم مبارزه برای آزادی و سکولاریسم در منطقه و در تقابل با اسلام سیاسی است. این نبرد منطقه ای و جهانی است. این نبرد محدود به جنبش آزادی زن نیست و باید در چارچوب تقابل اردوهای سیاسی و اجتماعی چپ و راست در جامعه نگریسته شود. با این حال پیروزی در ایران و بزیر کشیدن نظم آپارتاید جنسی و اسلامی به تخته پرشی در پیشروی جنبش آزادی زن در منطقه منجر میشود. این واقعبینی است که جایگاه جنبش آزادی زن در ایران را در تحولات سیاسی برجسته میکند. جنبشی که رنگ و مهر خود را بر هر تحول سیاسی در ایران میکوبد و فی الحال یک بازیگر مهم سیاسی است. جنبشی که ماهیتاً ضد حکومت اسلامی و ضد قوانین اسلامی است. جمهوری اسلامی با دولت روحانی و شعار "اعتدال و امید"، برای زنان، کماکان یک جمهوری اسلامی است که ضدیت با زن شناسنامه و کارنامه آنست.

در مراسمهای ۸ مارس امسال ضروری است با جنبش آزادی زن در جهان در مبارزه علیه بردگی و فقر و بیحقوقی سرمایه داری اعلام همبستگی کنیم. با جنبش و اعتراض زنان علیه اسلام سیاسی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا همسرنوشتی و همسنگری خود را اعلام کنیم. در ایران به این جمع بندی واحد و تلاش متمرکزتر برسیم که شرط اول آزادی زن در ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی و الغای نظام آپارتاید جنسی و قوانین ضد زن اسلامی است.

بیش از هر زمان ضروری است که برای پیشروی و پیروزی متشکل تر شویم. میادرت به ایجاد جمع ها و تشکیلات های علنی و نیمه علنی و مخفی کنیم. واحدهای سازمان آزادی زن را همه جا و به تناسب درک محدودیتها و موانع ایجاد کنیم. علیه سیاستهای اسلامی و نیم پز که بردگی زنان را توجیه میکنند صریحاً بایستیم. علیه هر نوع بیحرمتی و تعرض به حق و آزادی فردی و اجتماعی زنان قاطعانه بایستیم. پرچم "برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی" را برافرازیم و دوری و نزدیکی با هر نیروی سیاسی را براساس دوری و نزدیکی آنها به اهداف سیاسی و جنبشی مان تعیین کنیم. در گام اول برای جارو کردن نظم آپارتاید اسلامی متحدانه تر تلاش کنیم.

آزادی زن یک معیار آزادی هر جامعه است! *

زنان و دولت روحانی کشمکش آزادی و ارتجاع ادامه دارد ...

ما همواره گفته ایم و امروز خیلی ها این را میگویند که حجاب در ایران صرفاً یک تکه پارچه و یک "پوشش" نیست. حجاب یک بارومتر سیاسی جامعه است. هر وقتی به زنان تحت عنوان "مبارزه با بدحجابی" تعرض میکنند، تنها نمیخواهند زنان ضد قوانین اسلامی را سرچایشان بنشانند بلکه دارند از این دریچه توقعات رشد یافته زنان و نسل جدید و پیشرو در جامعه را میگویند. زنان شاخصی اند که نارضایتی عمومی تر مردم و تقابل شان با حکومت را منعکس میکنند. در سه دهه گذشته این جنگ بدون وقفه ادامه داشته و حاصل امروز آن اینست که جمهوری

اسلامی و نظم آپارتاید جنسی هنوز رسماً و قانوناً برقرار است اما دیگر یال و کوبالش ریخته و به مترسکی خودخشنود کن برای رژیم اسلامی تبدیل شده است. امروز عوامل ریز و درشت حکومتی ته دلشان اذعان دارند که علیرغم همه سرکوبها و وحشیگریهای این سالهای سیاه، جمهوری اسلامی در تقابل با زنان و "مسئله حجاب و عفاف" شکست خورده است. مسئله دیگر "بدحجابی" نیست بلکه "کشف حجاب" دارد به معضل باندهای اسلامی در ایران تبدیل میشود.

"دولت اعتدال" در همین چند ماهه حضور منحوسش نشان داد که تشنه خون ریختن است و مائین اعدامش ۲۴ ساعته کار میکند. نشان داد که بیحقوقی و سرکوب زنان تحت عنوان "رعایت و اجرای حجاب و عفاف" از اولویت های اصلی اش است. اجرای سه مرحله عملیات و مانور اوباش ضد زن برای "حجاب و عفاف"، اولین حرکت دولت "اعتدال" روحانی بود که به پایان نرسیده در نبرد خیابانی شکست خورد و خودشان آن را تعطیل کردند. نه فقط این بلکه موج بازگشت و ضد حمله جدیدی شروع شد. مرحله ای که در قیاس با گذشته جدید بود و آن گوشمالی آخوندها و گروه های ارازل و اوباش "تهی از منکر" است. علیرغم این تلاشها، واویلا "بی حجابی" زنان در خیابانهای تهران و شهرهای ایران و مهمانیها و گردهمایی ها به خیر و حرف اول تریبون های تبلیغاتی ضد زن حکومتی تبدیل شده است. تهدید زنان و عملیات خیابانی ضد زن ظاهراً ادامه دارد. اما همه میدانند که جمهوری اسلامی دیگر توان تحمیل حجاب در خیابانها را در قیاس با سالهای گذشته بمراتب از دست داده است.

در این میان تلاش ارتجاعی زنان هوادار حکومت و جار و جنجال برسر ورود چند "حاج خانم" به دولت و سیاست التماس از آخوندها برای "رعایت حقوق زن"، چیزی را تغییر نداده است. وجود همین خانمها مانع نشده که پدوفیلی اسلامی ازدواج

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

صدور دمکراسی!

به لطف تهاجم میلیتاریستی و سر کار آوردن نیروهای متفرقه اسلامی در لیبی اجرای قوانین شریعه تصویب شد!



تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸,۳۰ بوقت
تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500
کانال: KMTV

تلویزیون مدوسا

روزهای جمعه ها از ساعت 2 تا 3 بعدازظهر به
وقت اروپای مرکزی

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500
KMTV

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هینت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آبارنابد جنسی لغو

باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

اطلاعیه اول درباره برگزاری کنفرانس بین المللی آزادی و برابری زنان مذهب و سکولاریسم



سازمان آزادی زن با همکاری ابتکار فمینیستی اروپا روز اول مارس ۲۰۱۴، بمنظور بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن، یک کنفرانس بین المللی در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار می کند. تم این کنفرانس آزادی و برابری زنان و نقش مذهب و سکولاریسم است. این کنفرانس بویژه بر موقعیت زنان و جنبش آزادی زن در خاورمیانه تمرکز می کند. خیزش های اخیر توده ای، رشد و پیشروی جنبش اسلامی، بقدرت رسیدن جریانات اسلامی در تونس، مصر و لیبی و رودر رویی جنبش آزادی زن با جنبش اسلامی در منطقه، خیزش مردم ترکیه و تلاش برای بزیر کشیدن دولت اسلامی اردوغان، جنگ داخلی در سوریه و نقش فعال جریانات اسلامی در میان نیروهای اپوزیسیون سوریه و همچنین اعتراضات میلیونی در مصر علیه دولت اخوان المسلمین که بدخالت ارتش و برکناری دولت مرسی منجر شد، همه بر یک تنش عظیم میان جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و جنبش اسلامی دلالت می کند.

پشتیبانی و حمایت فعال غرب در راس آن آمریکا از جریانات اسلامی در منطقه نیز بیانگر آنست که علیرغم تمام تروریک تروریسم دولتی علیه تروریسم اسلامی، چگونه این دو تروریسم در مقابل جنبش آزادی مردم منطقه دست در دست هم می نهند. اما مقاومت مردم، قدرتمایی جنبش های آزادی زن، سکولار و کارگری در مقابل جریان اسلامی یک نقطه امید درخشان در تحولات منطقه است. بنظر می رسد که مردم منطقه و جنبش آزادی زن از تاریخ و تجربه ایران و موقعیت و جنبش آزادی زن در ایران آموخته اند.

سازمان آزادی زن در متن مبارزه و تلاشهای قاطع و دائمی خود برای آزادی و برابری زنان، علیه اسلام سیاسی و نقش مخرب و ارتجاعی مذهب تاکنون چندین کنفرانس بین المللی بسیار موفق برگزار نموده است. در این کنفرانسها فعالین جنبش آزادی زن از کشورهای مصر، افغانستان، ایران، الجزایر، فلسطین، اسرائیل، گرجستان و کشورهای اروپایی شرکت کرده اند و یکصدا از آزادی و برابری زن و نقش مهم سکولاریسم در این رابطه دفاع کرده اند. امسال نیز در تداوم این سنت کنفرانس دیگری با شرکت فعالینی از منطقه، از جمله ترکیه، سوریه، مصر، ایران و همچنین اروپا برگزار خواهیم کرد.

از هم اکنون کلیه علاقمندان را به شرکت در این کنفرانس مهم دعوت میکنیم. جزئیات بیشتر و نام سخنرانان در اطلاعیه های بعدی بااطلاع عموم خواهد رسید. اما از شما میخواهیم که تاریخ و محل این کنفرانس را از هم اکنون در تقویم هایتان بنویسید.



تاریخ:

شنبه اول مارس ۲۰۱۴

محل:

شهر گوتنبرگ، سوئد

سازمان آزادی زن
۸ دسامبر ۲۰۱۴

به سازمان آزادی زن پیوندید!